

ایران زمین از نامها

پری زنگنه



۱۳۵۰۰ ریال

ایران زمین
از نامها

پری زنگنه

آوای نامها از ایران زمین

www.KetabFarsi.com

آوای نامها از ایران زمین

پژوهش و نگارش
پری زنگنه

www.KetabFarsi.com

فهرست برگه

زنگنه، پری
آوای نامها از ایران زمین / پژوهش و نگارش
از پری زنگنه. - تهران: کتاب سرا، ۱۳۷۵.
۴۴۴ ص.
۱. نامهای ایرانی. ۲. نامهای ایرانی -
تلفظ. الف. عنوان.
PIR ۲۹۷۹ / ز ۹۴۸
۹۲۹/۴۴
[CS ۳۰۲۰]

آوای نامها از ایران زمین
پژوهش و نگارش پری زنگنه

ناشر: کتاب سرا

چاپ اول: ۱۳۷۵

حروفچینی: کتاب سرا

چاپ: چاپخانه سکه

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

شابک ۳-۰۲-۰۰۵۸۴-۹۶۴ ISBN 964-5840-02-3



دفتر مرکزی و نمایشگاه شرکت کتاب سرا

خیابان خالداسلامبولی (وزرا)، کوچه ششم، کوی دل افروز، شماره ۸، تهران

کدپستی: ۱۵۱۱۷، ساختمان کتاب سرا

تلفن: ۸۷۱ ۶۱۰۴ - ۸۷۱ ۷۶۳۶ - ۸۷۱ ۷۸۱۹ - ۸۷۱ تلکس: BANK IR ۲۱-۳۳۴۵

فکس: ۸۸۶ ۲۴۷۹، تلگراف: کتاب سرا، صندوق پستی: ۱۵۷۴۵/۷۳۳

فروشگاه شرکت کتاب سرا

الهیه، خیابان مریم، شماره ۷۰، تهران ۱۹۶۴۹، تلفن/ فکس: ۲۰۵۹۰۶۰

تقدیم به نورچشمان دلبندم شاهپری و امیرا.
تقدیم به فرزندان تاریخ، رهروان جاودانه‌ها، به فرزندان دلیر
رستم، کسرد و بلوچ، گیلک، لر، ترکمن. به فرزندان
کوه‌نشین آذربایجان و دریادلان رضاییه، چادرنشینان چهارمحال و
بختیاری، دشتهای پرگندم خراسان، دلسوختگان کویر، آبهای گرم و
نخلستانهای پر بار جنوب، سواحل خزر و جلگه زرخیز سیستان.
تقدیم به فرزندانی که به نام مرغکی سبکبال در بوته‌زارهای
کرمان صدایشان می‌کنیم، به کودکانی که در اسم گلی از گلستان
قمصر می‌بویمشان، به نوآمدگانی از گلگشت شیراز که سروناز
می‌خوانیمشان و به نونهالانی به نام درختهای سپیدار، افرا و توسکای
جنگلهای مازندران.
تقدیم به همه فرزندان امروز و فردای ایران که نامهایشان در
افقهای جهان آینده، جاودان و مایه مباهات جوامع انسانی باد!

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۲۳	نیاکان ما، بزرگان ایران باستان و نیک سرشتان اوستا
۳۷	نامی برای فرزندان گیل گمش آشور
۵۳	نوای نامهای داوودی در دامنه‌های ایران
۶۵	زنگ نامها از ناقوس کلیساهای ارمن
۸۱	عطر گل‌های محمدی، کزینهُ اسما. قرآن کریم
۹۷	یادی از نام آوران تاریخ
۱۲۵	نقش آفرینان نگاهبانی از زبان پارسی در شاهنامه فردوسی
۱۴۱	گل‌بانگ نامها از گلدسته‌های ایران‌شهر
۱۴۳	نامهایی از مهد دلاوریهای رستم دستان
۱۵۵	نامهای گرم بلوچ
۱۷۱	پرتو نامها از خطه شجاعان و ادیبان جاده ابریشم
۱۸۳	طنین نامها در صحرای ترکمن
۱۹۹	نامی بربال بادهای کویری سمنان
۲۰۹	بهار نامها در نارنجستانهای مازندران
۲۲۳	دریای نام از سرزمین گیل و دیلم
۲۳۷	شهد نامها از نخلستانهای خوزستان
۲۴۷	تفالی بر گلستان نامهای ترکسبوی شیراز
۲۶۱	آذرخش نامها از خطه آذربایادگان

به نام یگانه هستی بخش

پیشگفتار

همه چیز را در جهان با نامش می‌شناسیم و هر چیز را در زندگی با نامش به یاد می‌آوریم.

یادها با نامها همراهند - مادر، وطن، شهرمان، مادر بزرگ، باغ، دوست. جهان پر از هیاهوی نامهاست و چه حکایت پرنامیست زندگی!

پرنده کوچک خیال در آسمان آبی یادها پرواز می‌کند و از خم دره‌های هستی به آدمها و نامها می‌رسد، از کوچه‌های کودکی و همبازیها می‌گذرد و در خاطره‌ها پر می‌کشد. قنادی، ستاره، چغاله‌بادام، شکوفه‌های صورتی سیب، فراش مدرسه، دفترچه رنگی یادگاری، بستنی‌فروش، پنبه‌زن، بازار، سبزی پلوی عید، ویلن همسایه...

روز یا شب؟ کدامین هفته و کدام ماه و فصل از سال و در کجا به دنیا آمده‌ایم؟ مادرمان چه نام دارد و پدرمان؟ بر خواهر و برادرمان چگونه نام نهادند؟ خانه ما، در کدام کوچه بود؟ معلم انشایمان چه نام داشت؟ و بر دیوار ایوان خانه قدیمی پدر بزرگمان چه نامهایی به یادگار نوشته شده بود؟ یادت می‌آید سینه خیز رفتن؟ تاتی تاتی، زبان باز کردن و سخن گفتن؟ و نخستین بار هنگامی که چه شیرین نام خود را گفتی؟

پرنده کوچک یادها به نیروی نامها پرواز می‌کند و ما را نه تنها به سوی آنچه هست، بلکه به سراغ آنچه که بوده، می‌برد تا در دیار

۲۷۹	آوای نامهای پسر و دختر تُر در کوههای تُرستان
۲۹۳	نسیم نامها از دشتهای کردستان
۳۰۷	گلبرگهای پراکنده و پیوند نامها
۳۰۹	گلبرگهای پراکنده نامها
۳۴۹	پیوند نامها
۳۶۷	نامهای برگرفته از طبیعت ایران
۳۷۱	آبادی نامها در روستاهای ایران
۳۹۵	نامهایی از سیمینه چکادها و زرینه زرفاها
۳۹۹	معدن نامهای مرمرین
۴۰۱	سوسنستان نام
۴۲۹	پرواز نام بر فراز گنبد و بام
۴۳۷	فرجام سخن
۴۳۹	فهرست منابع و مآخذ

فراموش شدگان بر بامشان بنشانند.

پیران قوم همواره مادران و پدران را به نهادن نامهای خوش آوا و خوش معنا سفارش کرده‌اند.

در حدیثی از امیرالمؤمنین علی (ع) آمده است:

«یکی از حقوق فرزندان بر والدین انتخاب نامی نیکو برای آنهاست.»

بزرگان ادب ما هم در این باره سخنان بسیار دارند، چنانکه ناصر خسرو گفته است:

«نامی نکو گزین که بدان چون بخوانمت

در دلت شادی آید و در جانت، خرمی»

در کتاب اخلاق ناصری حکیم خواجه نصیرالدین طوسی نیز در باب نامگذاری اشاره‌ای دارد با این مضمون: چون فرزند بوجود آید ابتدا باید به تسمیه او اقدام کرد به نامی نیکو چه اگر نامی ناموافق بر او نهند مدت عمر از آن ناخوشدل باشد.

از تولد و آغاز زندگی بگوییم: رسم نامگذاری، نخستین گام کودک در آستانه زندگی اجتماعی است. جشنی است که همه اقوام برای بها دادن به نورسیده و اعلام افزوده شدن فرد جدیدی بر افراد خانواده یا جامعه برپا می‌کنند.

هر بار که انسان در کودکی یا در بزرگسالی بشنود و به یاد آورد که پدر و مادر و دیگران تولد او را گرمی داشته و به وجود وی بالیده‌اند، با کلمه عشق و مهرورزی که منشاء و هسته اصلی انسانیت و خوشبختی است آشنا می‌شود و آنچه را برای او بجا آورده‌اند به فرزندان خود روامی‌دارد.

روزگار در گذر است و گذر آن به خواست و تدبیر ما نیست. روزها از پی هم، شب، روز و روز، شب، بهار، زمستان، و زمستان، بهار. مرغان لانه می‌سازند، درختان به خواب می‌روند و باز شکوفه می‌دهند، آهوان در دشتهای می‌دوند، قناری می‌خواند، نارنجها زرد

می‌شوند، برف بر سر گل یخ می‌بارد، ماهیان به سادگی تخم می‌گذارند، مورچگان همچنان آذوقه می‌کشند. تکرار منظم طبیعت، گویی هیچ اتفاقی نمی‌افتد. زندگی هنوز و همیشه زیباست، ولی انسان در آن دست می‌برد و زیباترش می‌سازد.

به سر عروس گل و گیله می‌آویزیم. پنجره را پرده می‌آراید. عروسک را با زلفهای طلای تورهای زرق و برق‌دارش می‌شناسیم، نوروز ما را به یاد کاشتن بنفشه و رخت نو می‌اندازد. خاطرات ما از کودکی و نوجوانی و دوره‌های سپری شده‌دیگر، با اینگونه تصویرها در ذهنمان رنگ آمیزی شده و جان می‌گیرد.

زندگی ما بدون آداب و پائیدن شیوه‌های قراردادی نیز، مانند طبیعت سیر خود را طی می‌کند، اما پیرایه‌ها و آئینهای گوناگون بر اساس باورهای کهن و ارزش دادن به سنتهای دیرین، آن را جلوه و استحکامی بیشتر می‌بخشد.

آداب نامگذاری بین اقوام مختلف متفاوت است. مثلاً سرخ پوستهای بومی قدیمی نام کودک را بلافاصله بعد از تولد انتخاب نمی‌کردند، بلکه منتظر می‌شدند کودک در طول زندگانی‌اش کاری خاص انجام دهد، مثلاً حیوان خاصی را شکار کند، درخت خاصی را پیدا کند و به طور کلی مبتکر کاری باشد، یا اینکه صفتی خاص از خود بروز دهد؛ آن وقت بر اساس آن نامگذاری می‌کردند. در میان اعراب نیز گرچه هر کس اسمی داشته ولی افراد را به کنیه‌ها می‌نامیدند، مانند: ابوالقاسم (پدر قاسم) - ابن علی (پسر علی) - ام کلثوم (مادر کلثوم) - بنت حسن (دختر حسن) و... و همچنین علاوه بر این طرز نامیدن، به جای نام خانوادگی (شهرت) نام پدر یا پدربزرگ یا هر دو را به دنبال نام می‌آوردند. مثلاً اگر کسی نامش احسان باشد و نام پدر یا پدربزرگش عبدالحمید او را به نام احسان عبدالحمید می‌شناسند.

اینک به پای دلدادگان قوم و تبار می‌نشینیم و می‌شنویم که

ایرانیان از زمانهای دور، آئینهای ویژه‌ای را برای نام نهادن نوزاد برگزار می‌کردند.

از آغاز بر این باور بوده‌ایم که با مراجعه به بیان مردم و آنچه برزبان‌شان جاری است از چگونگی انتخاب نام برای نوزادان در سرزمینمان آگاه شویم، و روایتی بیابیم از ره و رسمشان در سنت دیرپای نامگذاری. در بررسی آداب و معتقدات مناطق مختلف ایران به رسوم و سلیقه‌های مشابهی، ناشی از یک طرز تفکر انسانی برمی‌خوریم که همگی حاکی از تشابه و همبستگی فرهنگی اقوام ایرانی است. برای مثال انتخاب نام از میان نامهای عزیزان از دست رفته و قهرمانان و بزرگان ملی و دینی و اسطوره‌ای در هر گروه و ناحیه در ارجحیت قرار دارد. همچنین رسمهای مربوط به دفع «آل» زنان تازه‌زا که ممکن است بر اثر عدم رعایت بهداشت و تحولات جسمی و روحی دوران زایمان و بعد از آن دچار عارضه‌های مختلف گردند. در گذشته، به علت نداشتن آگاهی، این عوارض را ناشی از وجود موجودی موهوم و خیالی پنداشته، در مواردی که مادر یا نوزاد تلف می‌شدند بنا به معتقدات محلی به روشهای گوناگون در صدد چاره و دفع آن برمی‌آمدند که در بخشهای مربوطه ملاحظه خواهید فرمود. عوامل اقلیمی، مانند عوامل فرهنگی یا اجتماعی در نامگذاری نوزادان تأثیر دارد، چنانکه در شمال ایران نامهایی زیبا چون «آلاله» و «گلبنو» و «گل آقا» به گوش می‌رسد، و در دشتها و صحراهای گرم جنوب به نامهایی چون «بادبه‌دست» و «بحرپیما»، «خورشیدو» و «جبرته» و نامهایی از این دست که نمودار تأثیر طبیعت در زندگی انسان است برمی‌خوریم. همچنین در مناطق کوچ‌نشین، نامهایی به سان «آساره» (ستاره) و «چمن گل» می‌یابیم، و در کویر که گل به سختی می‌روید دختری را به نام «گل حسرت» می‌شناسیم که همگی حکایت از تأثیر اقلیم در فرهنگ رفتاری و گفتاری سخت‌کوشان میهنمان دارد.

چه شایسته است، انتخاب نام با عنایت به نام و نشان دیاری باشد که از هوایش نفس گرفته‌ایم و با برگ و بارش به بار آمده‌ایم.

با توجه به پژوهشهای موجود در نامگذاریهای اقلیمی، به مواردی هم برمی‌خوریم که تولد و نامگذاری دختران را نسبت به پسران یکسان نمی‌انگارند و آنان را به یک اندازه گرامی نمی‌دارند، دخترانی که مادران بزرگانی در این سرزمین بوده و خواهند بود. همه‌ما همواره شاهد تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر مادران و همسران، در روستاها، آبادیها، پای تنورها، کنار گهواره‌ها، در شالیزارها، در مزارع، پای دارهای قالی، به‌ویژه میان عشایر و کوه‌نشینان هستیم و می‌دانیم که در شهرهای بزرگ و کوچک، زنان دوش به دوش مردان و گاه پیشگام‌تر از آنان در امور اجتماعی و اداری و حرفه مقدس پزشکی و پرستاری و آموزش و پرورش و هنر و ادبیات و تربیت فرزندان و آسایش خانواده، شب را به روز و روز را به شب می‌رسانند.

اینک در جست‌وجوی نامهای زیبا از میان واژه‌های اصیل ایرانی، پی پیشینه مرز و بوم ایرانیان و زبان‌شان می‌گردیم تا شواهدی ساده و ناب از پیدایی ایرانیان و زبان فارسی نه به تعریف فرهنگنامه‌ای و «علمی»، بلکه به رمز و راز و داستان، از زبانی که شکر است بیابیم که به قول حافظ شاعر شیرین سخن:

شکر شکن شوند همه طوطیان هند

زین قندِ پارسی که به بَنگاله می‌رود
ما ایرانیان از قوم کهن «آریا» یا «آرین» برخاسته‌ایم، و گلوآژه «ایران» شکلی است از واژه «آرین» به معنی «آزاده و متمدن». مسکن اصلی آریائیان احتمالاً استپ‌های ممتد از شمال دریای سیاه و دریای گرگان در جنوب روسیه تا مرز ترکستان و رودهای جیحون و سیحون بوده است. بعدها این قوم، چونان پرندگان مهاجر، دسته‌ای به جانب اروپا و دسته دیگر به سوی ایران و هند روان شدند. نزدیک به دو هزار سال قبل از میلاد مسیح گروهی به ایران کنونی رسیدند و

ماندگار شدند. قبایل آریایی مهمی که به اعتبار کتیبه‌های داریوش و نوشته‌های هرودوت، در ایران اقامت گزیدند، چنین بودند: مادها در شمال غربی ایران، پارسها در جنوب، هیرکانیان در استرآباد، پارتها در خراسان، درانگیان در شمال غربی افغانستان، باکتریان در بلخ، سغدیان در فاصله رودهای جیحون و سیحون، ساکارتیان در ناحیه زاگرس شرقی، سکاییان در سیستان.

در جوامع آریایی ایران به برکت زیبایی تنوع قومی، زبانهای خوش آوا نیز وجود داشته است، این زبانها در درازنای تاریخ بر اثر تحولات گوناگون به سه گروه منقسم شده‌اند:

- ۱- ایرانی کهن: مادی، اوستایی و پارسی باستان.
- ۲- ایرانی میانه: پهلوی، پارتی، سغدی، خوارزمی و ختنی.
- ۳- ایرانی جدید: پارسی دری، کردی، بلوچی، پشتو، یغنابی، تاتی، آسی، لری، لاری و کومزاری.

هریک از زبانهای ایرانی منجمله پارسی دری لهجه‌های فراوانی را دربر می‌گیرد و گرچه از زبانهای پیشین به میراث مانده است، از لحاظ ساختمان و تلفظ، کمابیش دگرگونی پذیرفته است. با این وصف تعدادی از واژه‌های آن زبانها بدون دست خوردگی در زبانهای امروزی، از جمله در پارسی دری باقی مانده‌اند.

در کتاب حاضر از گُلنامهای ایران که به مدت هفت سال با زحمات فراوان و تلاشی گسترده در طی نشستهای مکرر با استادان زبان و شعر و ادبیات و فرهنگ و تاریخ، و سفر به شهرها و روستاها و همنشینی با ایل نشینان و گشت و گذار در بین صفحات کتابها، چون پرندهای کوچک، به شکار نام دانه‌ای از گلوآزها رفته‌ام. پرندۀ کوچک اندیشه‌من در گشت پردامنه خود، به کرانه‌های دریای مازندران رسیده و از آنجا به سوی نخلهای ستبر و سرسبز جنوب بال گشوده است. در این میان از عرضه کردن نامهای قومی و دینی و اساطیری و جغرافیایی ایرانیان، تنها آوردن نامشان مدنظر نبوده، بلکه

مقصود گسترش فرهنگهایی است که بستر نامها به شمار می‌آیند. من با اصرار، نامهای خوشایند همه مردم ایران و از آن میان، اقلیتهای قومی و زبانی و مذهبی را یکجا و در کنار هم عرضه می‌دارم، چون باور دارم ویژگیهای اقلیمی و فرهنگی هر قوم در نامهایشان منعکس است. از این رو آشنایی با فرهنگ یکدیگر و برگزیدن نامهایی از هم نه تنها گنجینه نامهای آنان را دلپذیرتر و پرمایه‌تر می‌سازد، بلکه قومها را به درون زندگانی یکدیگر کشانده و در پیوند دلها و روابط انسانی و اجتماعی به هم نزدیکشان می‌کند. در این راه کوشیده‌ام با زنده کردن پاره‌ای از نامهای اصیل فراموش شده و گلچین کردن نامهای زیبای متداول و پیشنهاد نامهای خوش آهنگ نسبتاً بی‌سابقه و الهام گرفته از ادبیات و زبانمان تنوع و نوآوری در نامگذاری بوجود آورم، بی آنکه برای هیچ یک از نامها ترجیحی قائل شوم و یا تا کیدی بر نامهای ناآشنا و بی‌سابقه بنمایم.

آسان نبوده است گردآوری، بررسی و رده‌بندی هزاران نام با یکدیگر و ایجاد هماهنگی بین نظریات مختلف برای انتخاب و گزینش بهترین آنها، همچنین دستیابی به روایتهای مختلف آداب نامگذاری از گفته‌های مردم و تدوین پیشینه تاریخی و جغرافیایی هر ناحیه و کسب اطلاعات از مآخذ علمی و مقایسه و تلخیص آنها، که کاری بس ظریف و درخور حوصله بوده است. ای کاش زمانی به دست آید و فراغتی تا پرندۀ کوچک اندیشه‌ام به قدمگاه دلگشای آهوان در دشت مغان و دامغان رود، از بوی دلآویز گلزار قمصر کاشان مست شود، در انارستانهای ساوه بجمد، بر نقشهای سفالین زنجان نقشی دیگر بیفزاید، بر تارک قله‌های کهکیلویه و بویراحمد آشیانه کند، در تپه‌زارهای کرمان به شنیدن اشعار خواجه بنشیند، در چهارباغ اصفهان دمی آواز بخواند، همپای باباطاهر شوریده همدانی، صخره‌های عظیم الوند را درنوردد، به پابوس فایز دشتستانی بشتابد و بر فراز درختان لور بوشهر بنشیند، و در همه جا، با مردمان سختکوش

و استوار دیار خوبم برود، که همگی همخانه ایمانند و همزاده ایران. آنچه در این کتاب آمده است، گنجینه کوچکی است از دریای پرگوهر نامهای ایرانی. چه کسی می‌تواند بر ژرفای این دریای بیکران دست یابد؟

در این کتاب نامها در رده‌هایی مبتنی بر واحدهای زبانی و گاهی بر واحدهای جغرافیایی قرار گرفته‌اند. بدیهی است که یک واحد زبانی در اکثر موارد منحصر به یک واحد جغرافیایی نیست، و از این روست که واحد زبانی لری سراسر لرستان و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد را می‌پوشاند و واحد زبانی ترکی آذری همه‌نواحی ترک زبان ایران را دربرمی‌گیرد. همچنین زبان مردم فارس، که زبان بوشهریها نیز هست.

برای برخی از رده‌ها مقدمه‌ای که متضمن شناسایی قوم، اقلیم و ویژگی‌های فرهنگی و آداب نامگذاری آنهاست آورده شده است. هر نام با توضیحی کوتاه درباره معنی یا سابقه تاریخی یا احیاناً ریشه لغوی آن همراه است. نامهای ساده یا مانوس و نامهایی که معانی روشنی ندارند از این اصل مستثنی هستند. در برابر هر نام، تلفظ آن با الفبای لاتین، آوانگاری شده است. به منظور تفکیک نامهای پسرانه و دخترانه و مشترک (هر دو جنس) علامتهای «♂» و «♀» و «○» در کنار نامها ذکر گردیده‌اند. در برخی موارد نیز توضیح ذیل هر نام تناسب آن را برای دختر یا پسر معلوم نموده است. انتخاب جنسیت الزاماً از روی معنا صورت نگرفته است، بلکه آهنگ مناسب و متداول برای نامیدن دختر یا پسر مدنظر بوده است. اگر در این کتاب فصلهای مستقلی به نامهای برخی از اقوام یا استانها اختصاص نیافته به سبب بی‌توجهی یا عدم علاقه نبوده است. زیرا از سویی مجال این کتاب محدود و از طرفی بسیاری از نامهایی که به برخی از گروهها یا استانها تعلق گرفته‌اند، عمومیت دارند و در سراسر ایران یا دست کم، در بخش پهناوری از آن متداولند.

برای نشان دادن تلفظ درست نامها، از الفبای آوانگاری ساده‌ای استفاده شده است. البته ملاک تلفظ نامها، فارسی دری (نه تلفظ عربی) است. مثلاً واژه «تَمَر» در زبان عربی با صوتی که در فارسی دری وجود ندارد، تلفظ می‌شود و از این رو در آوانگاری به صورت thamar درمی‌آید. لیکن در فارسی دری که حرفهای «ث» و «س» و «ص» یکسان تلفظ می‌شوند، آوانگاری واژه «تَمَر» چنین است: Samar. بر همین شیوه، در فارسی دری، حرفهای «ذ» و «ز» و «ض» و «ظ» تلفظی یکسان دارند و هر چهار حرف در آوانگاری، معادل Z بشمار می‌روند.

جدول آوانگاری حروف بی‌صدای فارسی

حرف فارسی	نشانه آوانگاری	حرف فارسی	نشانه آوانگاری	حرف فارسی	نشانه آوانگاری
ب	B	ز	Z	ق	Q
پ	P	ژ	Ž	ک	K
ت	T	س	S	گ	G
ث	S	ش	Š	ل	L
ج	J	ص	S	م	M
چ	Č	ض	Z	ن	N
ح	H	ط	T	و(ساکن)	V
خ	X	ظ	Z	ه	H
د	D	ع(ساکن)	'	ی(ساکن)	Y
ذ	Z	غ	Q	همزه(ساکن)	,
ر	R	ف	F		

جدول آوانگاری حروف صدا دار فارسی

حرف فارسی	نشانه	مثال
صدای آ در " احمد " و ع در " علی "	A	Ahmad Ali
صدای ادر " ابراهیم " و ع در " عشرت "	E	Ebrāhim Ešrat
صدای ا در " امید " و ع در " عمر "	O	Omid Omar
صدای آ در " آذر " و عا در " عادل "	Ā	Āzar Ādel
صدای او در " اورمزد " و عو در " عود "	U	Urmazd Ud
صدای ای در " ایران " و عی در " عیسی "	I	Irān Isā
صدای او در " نوذر " و عو در " عوفی "	OW	Nowzar Owfi
صدای ای در " کیوان " و عی در " عیش "	EY	Keyvān Eyš

در مورد برخی از رده‌های نامها چون رده‌های ارمنی و سیستانی و بلوچی و ترکی آذری و کردی و لری که هریک اصوات ویژه و مختص به خود را دارند، آوانگاری ویژه‌ای در ابتدای بخش مربوط به هریک از آنها، ذکر شده است.

اینک نخستین بخش کتاب را می‌گشایم با نامهای استادان و ادیبان کوشا و ارجمند، محققین و مؤلفین و یاران همگام، با مراتب سپاس و امتنان از ایشان که در تدوین و نگارش این کتاب از دانش و کوششان بهره‌جسته‌ام، با درود به روانشان و زنده یادان صاحب کتاب که فرهنگنامه‌ها و تألیفاتشان گنجینه منابع و روشنگر و رهنمون دانش‌پژوهان بوده و خواهد بود. و با اظهار قدردانی از عزیزی که از دوردستهای سرزمینمان، آوای نامهایشان را به گوش من رساندند، و آنانکه دستهایم را به گرمی گرفتند و حضور مرا مشتاقانه پذیرفته، از نامها و رسوم دیارشان برایم حکایت کردند. هم‌میهنانی که در پاسخ دعوت من نامه‌های پرمهر و شیرین نوشتند و کسانی که عاشقانه در کنار من نشسته و چون صداقت چشمانم، در جست و جوی خوش‌آهنگترین و زیباترین و شایسته‌ترین نامها برای نوباوگان آینده ایران، یاریم دادند.

اسامی یاوران گرامی به ترتیب حروف الفبا:

بخش زرتشتی

دکتر فریدون جنیدی (بنیاد نیشابور)

موبد رستم شهزادی (انجمن زرتشتیان ایران)

منوچهر کاویانی

دکتر حسین وحیدی

بخش آشوری

نمرود سیمونو

مارینا قمشه پور
آلبرت کوچوبی

بخش یهودی
دینا آموزگار
هوشنگ الیاسیان

بخش ارمنی
لیدا بربریان
آرسن مامیان
لئون میناسیان

بخش قرآنی
دکتر حسین الهی قمشه‌ای
استاد روانشاد دکتر محمد جواد مشکور

بخش تاریخ و شاهنامه
دکتر امیرحسین آریانپور
دینا آموزگار
دکتر حسین بهزادی
دکتر حسین خطیبی

بخش سیستان
ایرج افشار سیستانی
جواد محمدی حکمک

بخش بلوچستان
اشرف سربازی
عباس عارف

بخش خراسان
هوشنگ جاوید
روانشاد دکتر غلامحسین یوسفی

بخش ترکمن صحرا
آی محمد آی محمدی
موسی جرجانی
دکتر جواد هیئت

بخش سمنان
پرویز پژوم شریعتی
محمداحمد پناهی (پناهی سمنانی)

بخش مازندران
لطفعلی غضنفری
کیوس گوران
محمدباقر نجف‌زاده بار فروش (م. روجا)

بخش گیلان
کاظم سادات اشکوری
محمود پاینده لنگرودی
دکتر منوچهر ستوده
روانشاد جهانگیر سرتیپ پور
اسماعیل گلشنی

بخش خوزستان
هوشنگ جاوید
سیدمحمد حسینی خواه

بخش فارس
ابوالقاسم فقیری

احمد و کیلیان

بخش آذربایجان

فریدون فرهی

روانشاد مهندس حبیب معروف

دکتر جواد هیئت

استاد روانشاد دکتر محمد جواد مشکور

بخش لرستان

حمید ایزدپناه

پرویز نصیری

بخش کردستان

شکرالله بابان

طبیعت ایران

هوشنگ الیاسیان

هوشنگ جاوید

بیژن رفیعی

عباس عارف

ویراستاران

رائد آموزگار

زبیده جهانگیری

سوسن خوانساری

ایده رشیدی

هرمز ریاحی

فرشته مولوی

نیاکان ما، بزرگان ایران باستان و نیک سرشتان اوستا

زردشت یا زره توشترا (Zaratuštrā)، به معنی دارنده شتر زرد نام پیامبر ایران باستان و بانی دین زردشتی است. او را از مردم آذربایجان یا ری دانسته‌اند. درباره زمان زیستن وی روایات بر سه گونه است و به گمان پژوهندگان ایرانی و برخی غربیان، زمان وی پیرامون سه هزار و پانصد سال پیش است. مطابق روایات کهن، زردشت به هنگام حمله ارجاسب تورانی به بلخ، کشته شد.

دین زردشتی که زمانی دین رسمی ایران بود و هنوز در ایران و هند پیروانی دارد، بر کتاب مقدس اوستا استوار است. چنان که برمی‌آید، جهان عرصه مبارزه دو نیروی نیکی و بدی است. چون بدی را نمی‌توان زاده وجود «خدا» یا «اهورامزدا» دانست، باید برای آن اصلی مستقل به نام «انگره مینو» یا «اهریمن» شناخت.

با این وصف چون اهورامزدا و نماینده او یعنی سپنتامینو سرانجام بر انگره مینو چیره می‌شوند، می‌توان دین زردشتی را دینی وحدانی شمرد.

این دین آدمیان را به اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک می‌خواند و به جهان پس از مرگ، داوری، پل صراط، بهشت، دوزخ و برزخ اعتقاد دارد.

براساس نوشته‌های پهلوی زردشت در هزاره چهارم به جهان آمده

است و پس از او، در هر هزاره یکی از فرزندان او رهبری بشریت را برعهده می‌گیرند. زردشت پیش از مرگ، بهره‌ای از نطفه خود را به دریاچه «کیانسر» سپرد. مقرر شد که در پایان هر هزاره، دوشیزه‌ای در دریاچه شست و شو کند و بخشی از نطفه زردشت را بپذیرد. بدین ترتیب سه فرزند زردشت به نامهای «هوشیدر» و «هوشیدرماه» و «سوشیانس» زاده و رهبر مردمان می‌شوند. به هنگام زادن فرجامین فرزند که سوشیانس باشد، واپسین جنگ میان نیکی و بدی درمی‌گیرد و سپس ستاره دنباله‌داری بر زمین می‌افتد و با شعله‌وری آن، سنگها و فلزات گداخته و روان می‌شوند و با نابودی اهریمن و اهریمنی‌ها، جهانی دیگر که آکنده از نیکی و داد و راستی است، پدید می‌آید. پس رستاخیز یا قیامت روی می‌دهد. «میترا» و «سروش» و «رشنو»، مردگان را برای داوری نزد اهورامزدا می‌برند و با ترازو نیکیها و بدیهای هریک را می‌سنجند. پس گناهکاران را به دوزخ می‌فرستند. دوزخ زردشتیان به سبب حرمتی که آتش در نزد آنان دارد، آتشین نیست، بلکه سردخانه‌ای ظلمانی است، بهشت یا خانه نعمات نیز که همواره آفتابی و شادی بخش است، نیکان را در خود جای می‌دهد. آنان که نیکیها و بدیهایشان برابر است، به عالم برزخ یا اعراف یا همستگان فرستاده می‌شوند.

سلیقه زردشتیان در نامگذاری فرزندانشان با آنچه در قوم و قبیله‌های دیگر شنیده و دیده‌ایم متفاوت و بی‌پیرایه‌تر است. نامهای آنان غالباً از صفات نیک انسانی، فرشتگان، پادشاهان و قهرمانان اساطیری برگزیده می‌شود و هرگز نامهای کسانی را که به طریقی چه از نظر فرهنگی یا جغرافیایی به ایران لطمه زده‌اند و دشمن ایران بوده‌اند (مانند تیمور، چنگیز یا اسکندر) را برای فرزندان خود انتخاب نمی‌کنند. همچنین در مراسم زایمان و نامگذاری، نذر کردن گوشت حیوان را برای سلامت نوزاد و به طور کلی ریختن خون حیوانات را به نیت سلامت انسان، خودخواهی دانسته و قدغن کرده‌اند. در مراسم

نامگذاری، ابتدا پدر و مادر درمورد انتخاب یک نام توافق می‌کنند که این نام معمولاً متعلق به جد پدر یا مادر نوزاد است. اگر درمورد آن توافق حاصل نشود، نامهای پیشنهادی خانواده را روی هفت تکه کاغذ می‌نویسند سپس کاغذها را تا می‌کنند و روی کتاب اوستا، جلوی طفل شیرخواره می‌گذارند. اولین تکه کاغذی که کودک بدون اراده به سمت آن برود یا دست دراز کند، تعیین کننده نام او خواهد بود. چگونگی جشن زایمان به سلیقه و توان خانواده بستگی دارد. پس از رسیدن کودک به سنی که بتواند نیک و بد را تشخیص دهد (بین ۷ تا ۱۵ سالگی) او را طی مراسمی «سدره‌پوش» می‌کنند و موبد زرتشتی بر کمر او گشتی (کمربند) می‌بندد به این ترتیب کودک را به دین زرتشتی درمی‌آورد.

۱- در آیین زردشتیان و به‌طورکلی ایرانیان باستان، عدد هفت عدد خوش یمنی به شمار می‌رود زیرا نشانه هفت امشاسپند (هفت فرشته) تواناست. امروزه در بسیاری از نقاط ایران این مراسم در شب شش انجام می‌گیرد زیرا در میان مردم مسلمان مراسم متعلق به هر روز را در شب قبل از آن برگزار می‌کنند.
قابل ذکر است که برخی بر این باورند که نامگذاری نوزادان در روز ششم، برگرفته از میلاد زرتشت در روز ششم فروردین است.

آتش (آتر).

آذری (آذریاد)

♂ Azarpey (Azarpād)

نگهبان آتش.

♂ Azartus

آذرتوس

♂ Azaraxš

آذرخش

روز نهم از ماه آذر، روزی مبارک که جشن می‌گیرند و موی سر بزنند و آتشکده‌ها روشن کنند.

♂ Azarkeyvān

آذرکیوان

یکی از موبدان زرتشتی بامتیان هند و بانی آیین خاص.

♂ Azargošasb

آذرگشسب

آتشکده معروفی در بلخ

♀ Azarmeh

آذرمه

♀ Azarnuš

آذرنوش

دومین آتشکده از هفت آتشکده معروف زرتشتی.

○ Azarhomāyun

آذر همایون

زنی از نسل سام که در آتشکده سفاهان خدمت می‌کرد.

○ Arād

آراد

فرشته موکل روز بیست و پنجم هر ماه. در اوستا (اشی).

♂ Arāsti

آراستی

عموی زرتشت.

آرمتی (آرمیتی)

♀ Armeti (Armaitti)

فروتنی، پاکی. نام دیگر امشاسپند

آ

آئیریا

♂ Äiiryä

ریشه اوستایی ایرج، آئیریه.

آئیریک

♂ Äiirik

نیای یازدهم اشوزرتشت.

آبان

♀ Äbān

ایزد نگهبان آب. ماه هشتم شمسی، نام روز دهم از هر ماه.

آپاسای

♂ Äpäsäy

منشی شاپور اول.

آتر

○ Ätar

آذر، آتش و فرشته آن.

آتربان

♂ Ätarbān

نگهبان آتش.

آتردین

♂ Ätardin

آتردین، نام بهدینی در اوستا.

آتروَن

♂ Ätravan

در زبان اوستایی به طبقه روحانیان گفته می‌شود.

آئویه

♂ Äsuya

صورت اوستایی نام آبتین، پدر فریدون پیشدادی.

آدا

○ Ädä

نام ایزد توانگری، پاداش مینوی.

آذر

♀ Äzar

آتش، ماه نهم از سال شمسی. ایزد نگهبان

سپندارمند. فرشته محبت و نیز فرشته نگهبان زمین.

♂ Espentemān اسپنتمان
پاک منش. نهمین نیای زرتشت. نیز، اسپنتمن (Espentman).

آزاد.

♂ Äzāt آزات

آسپیان
در فارسی آبتین و در شاهنامه آبتین آمده است. اقیاه.

♂ Äspiyān آسپیان

آسَدین
موبدی در سده دهم یزدگردی.

♂ Äsdin آسَدین

آسمان

♀ Äsmān آسمان

آسمانی، ایزد مظهر آسمان و موکل بیست و هفتمین روز هر ماه شمسی.

♂ Äštād آشتاد

ایزد راهنمای این جهان و جهان دیگر، موکل بیست و ششمین روز هر ماه.

آناهیتا

♀ Änāhitā آناهیتا

ایزد مظهر آب. در اوستا به صورت دوشیزه‌ای بسیار زیبا، بلندبالا و خوش پیکر توصیف شده است و نیز آناهیتا، آناهیت (همان ناهید).

♂ Äšu اشو

مرد پاک طینت و مقدس.

♂ Äšumaneš آشومَنش

پاک منش.

♂ Amordād اَمرداد

بی‌مرگی، جاودانی، در آیین زردشتی، یکی از امشاسپندان مظهر جاویدانی اهورامزدا، موکل روز هفتم هر سال شمسی. یکی از صفات خداوند.

♂ Amšaspand امشاسپند

جاودان مقدس. در دین زردشتی، عنوان شش صفت خداوند که با نام اهورامزدا عدد هفت را تشکیل می‌دهد.

♂ Ardāvīrāf ارداویراف

موبدی در عهد ساسانیان که بنابر روایات مدتی به جهان دیگر سفر کرد. ارتای ویراف.

♀ Anuše آنوشه

بی‌مرگ و جاودانی.

♂ Urmazd اورمزد

ستاره مشتری، روز اول هر ماه، خدای بزرگ ایرانیان باستان. نیز، ارمزد

آرتا، اردا، آرد، اُرد

○ Artā, Ardā, Ard, Orod

راستی و درستی.

♂ Ordi behešt اردیبهشت

برترین پاکی و راستی، پاکی برین. فرشته موکل بر روز سوم هر ماه و دومین ماه از ماههای شمسی.

♂ Barusā	بروسا	♂ Ormazd ، هورمزد ، اهورا ، Ahurā ، مزدا ، Mazdā ، اهورامزدا ، Ahurāmazdā.
♂ Bahāvand	بهاوند	♂ Avestā
	دارنده نیکی، بارزش.	کتاب آسمانی زرتشتیان.
♂ Behbod	بهبد	♂ Eidun
	نگهبان نیکی، بهترین نیکیها.	ایدون
♂ Behdin	بهدین	♂ Izadyār
	پیرو آیین زرتشتی.	ایزدیار
♂ Behrād	بهراد	کسی که ایزد یاور و پشتیبان اوست.
	نیکی بخش.	
ب		
♂ Bahrām, Vahrām	بهرام، وهرام	♂ Bātir
	پیروزمند. ستاره مریخ، فرشته موکل روز بیستم هر ماه. نیز نام چند پادشاه ساسانی که مشهورترینشان بهرام گور است.	باتیر
♂ Bahman	بهمن	♂ Bārād
	نیک منش، دومین روز از هر ماه و فرشته آن.	باراد
♀ Bidox̄t	بیدخت	♂ Bāfarg
	ستاره ناهید.	بافرگ
		♂ Bāmi
		بامی
		♂ Bāv
		باو
		♂ Patirasb
		پاتیراسب
		♀ Parārin
		پرارین
		♀ Parxide
		پرخیده
		♀ Berejiya
		برجیه
		فرشته نگهبان دانهها و رویش گیاهان.

♀ Pardis	پردیس	♀ Tracta'ona, Trita'on
	باغ بهشت.	ترتئون، تربئون
♂ Paršān, ♀ Paršānā	پَرشان، پَرشانا	♀ Triti
	ریشه اوستایی فریدون.	تریتی
♀ Parand	پَرند	♀ Tažah
	رزمجو.	تزه
♂ Parang	پَرنگ	♂ Teštār
	پارچه ابریشمی، ابریشم.	تَشتر
♀ Parniān	پَرنیان	♂ Tansar
	درخشش شمشیر.	تَنسر
♀ Pročistā	پروچیستا	♂ Pašutan
	حریر و دیبا.	پَشوتن
♂ Pašutan	پَشوتن	♀ Purčistā
	نام دختر حضرت زرتشت.	پورچیستا
♀ Tuti	توتی	♀ Purak
	از نامهای رایج زرتشتیان امروز.	پورک
♂ Tirdād	تیرداد	♂ Purošasb
	بخشیده نیر، فرشته موکل بر باران. نیز نام اشک دوم از پادشاهان اشکانی. ونیز نام دو تن از شاهان ارمنستان. همچنین نام خزانه دار داریوش سوم در تخت جمشید.	پوروشاسب
		دارنده اسب پیر. پدر زرتشت.
		♂ Pinghar
		پینگهر
		نام بهدینی بوده است.
		♂ Jāmās̄b
		جاماسب
		بیست و یکمین پادشاه ساسانی و حکیم ایرانی. از خاندان هوگو، شوهر پورچیستا جوانترین دختر زرتشت.
		♂ Jāvid
		جاوید
		♂ Taparasb
		تَپَرَسب

♀ Javāne	هر ماه. خور و هور و خیر.	پدر اردشیر از بهدینان خراسان.
♀ Čitrā	چیترا	چهره، نژاد.
♀ Čistā, Čisti	چیستا، چیستی	فرشته مونت دانش و معرفت.
♂ Xādin	خادین	بهدینی در اوستا.
♂ Xāvand	خاوند	جوینده، دنبال کننده.
♂ Xajasb	خجاسب	یکی از نیاکان زرتشت.
♂ Xordād	خرداد	کمال راستی و درستی و تندرستی، نگهبان آب، امشاسپند موکل روز ششم هر ماه. نیز از دانایان زمان قباد و انوشیروان.
♂ Xorram	خرم	شادان.
○ Xorsān	خورسان	خورشید مانند.
♀ Xoršid	خورشید	خورشید درخشنده. ایزد موکل روز یازدهم

چ

خ

د

و

♂ Dādār	دادار	پسر دادوخت از دانشمندان زرتشتی.
♂ Dānā	دانا	در اوستا «دانه». خاندانی است دشمن گرشاسب.
♂ Daxyum	دخیوم	فرشته نگهبان زمستان.
♂ Drāt	درات	نام بهدینی بوده است.
♀ Daqdoṽā	دغدوا	مادر اشوزرتشت، نیز دغدوا (Doqdoṽā) دغدو (Doxdu).
♂ Deymehr	دی مهر	نامی زرتشتی تا عصر حاضر.
♂ Dey	دی	آفریننده.
♂ Deydād	دی داد	زاده دی ماه.
♀ Rāiiti	رائیتی	بخشنده و سخی، راد.
♀ Rāiikā	رائیکا	پسندیده و دوست داشتنی.

♀ Rātā	راتا	فرشته بخشش، راد.
♂ Rājān	راجان	نیای زرتشت.
♂ Rāduy	رادوی	یکی از موبدان عصر یزدگرد سوم ساسانی.
♂ Rām	رام	روز بیست و یکم از هر ماه شمسی. فرشته موکل بر این روز. نیز، نام سازنده چنگ.
♀ Rāmeš	رامش	آرامش، خوشبختی.
♂ Rāmyār	رامیار	نام بهدینی بوده است.
♂ Retuštar	رتوشتر	برادر مهتر زرتشت.
♀ Rodoxt	رودخت	دختر انوشک در کتیبه زرتشت.
♀ Rašn	رشن	دادگر، نام ایزد عدالت. نهاد دادگری که با ترازو و میزان نشان داده می شود.
♂ Zaiiri	زئیری	زرتین.
♂ Zādišam	زادیشم	نیای پشنگ.
♂ Zāmyād	زامیاد	فرمانبرداری، ایزد موکل روز هفدهم و
♂ Zāvār	زاوَر	دلیر و توانا. ستاره زهره.
♂ Zāveš, Zāviš	زاوش، زاویش	نام پدر دغدو.
♂ Zāvoš	زاووش	خاموش. ستاره مشتری.
♂ Zarāvand	زراوند	موبد موبدان در عصر بهرام گور و نرسی.
♂ Zartošt	زرتشت	پیامبر ایرانی.
♂ Zarāvān, Zarvān	زَروان، زروان	زمان. فرشته زمان، پدر اهریمن و اورمزد. و نیز نام خوانسالار انوشیروان ساسانی.
♀ Zantum	زنتوم	فرشته نگهبان بخشش.
♂ Sām	سام	نام بهدینی که در بند ۱۳۶ فروردینش آمده است. نام نیای رستم.
♀ Sepentāminu	سپنتامینو	خرد مقدس. در برابر انگره مینو (اهریمن).
○ Soruš	سروش	فرمانبرداری، ایزد موکل روز هفدهم و

سی

ز

○ Farrox	فرخ	♀ Sarirā	سریرا
♀ Faršat	فرشت	♂ Sušiyānt, Sušiyāns	سوشیانته، سوشیانس
♂ Faršuštar	فرشوشتر	♂ Sauka	سوکه
♀ Fargun	فرگون	○ Šāhidah	شاهیده
♀ Farno	فرنو	♂ Šahrivar	شهریور
♀ Freni	فرنئی	♂ Šid	شید
♀ Farvāgin	فرواگین	♀ Farāčehr	فراچهر
♂ Farvardin	فروردین	♂ Farāvāk	فراواک
♂ Foruz	فروز	♂ Farvaha	فروهر
♂ Fariyān	فریان	♂ Farbud	فربود

ش

ف

راست و درست.

بزرگی و شوکت. از مفسران اوستا در زمان ساسانیان.

شانزدهمین نیای آذرباد مهراسپندان.

پدرزن زرتشت، از خاندان هوگو، برادر جاماسب و وزیر گشتاسب.

نام زنان در ایران باستان.

مادر بزرگ زرتشت.

دختر بزرگ زرتشت.

دختر سیامک.

در اصل منسوب به فروهر (Farvaha)، ایزد موکل بر روز نوزدهم هر ماه و نام ماه اول سال شمسی. نیرویی که در همه موجودات اهورایی وجود دارد و پس از مرگ موجود به عالم بالا صعود می‌کند.

موبدی که در روزگار فتحعلی‌شاه در یزد می‌زیسته است.

سمبل روح انسان.

نگهبان انسان.

زیبا، صفت جمشید در اوستا.

نجات دهنده، منجی موعود آئین زرتشتی که میشر رستاخیز است.

فرشته‌ای که برای تندرستی و خوشی مردمان گماشته شده است.

پارسا، پرهیزکار، نیکوکار.

کشور آرمانی. ماه ششم هر سال، روز چهارم از هر ماه، پادشاهی آرمانی، یکی از صفات اهورامزدا.

روشنایی و نور.

نام بهدینی بوده است.

فرزند نساک و سیامک در داستان آفرینش اوستا.

فربود

♀ Mašyāne	مشیانه	♀ Farimāh	فریماه
♂ Mašy	مشی	♂ Kāmdin	کام دین
♂ Mehrāzar	مهرآذر	♀ Kaniyā	کنیا
♂ Mehrespand	مهراسپند	♂ Keyvān	کیوان
♀ Mehrčīn	مهرچین	♀ Gisā	گیسا
♂ Mehregān	مهرگان	♂ Māh	ماه
♀ Mehrvaš	مهروش	♂ Māhdād	ماهداد
♀ Mehri	مهری	♂ Mazdā	مژدا
♀ Mehryāne	مهریانه		
♀ Mitrā	میترا		
♀ Nāhid	ناهید		

ک

گ

م

ن

مردی تورانی از پیروان زرتشت.

نخستین زن، دختر کیومرث، برابر حوا.

نام زن پویشن شات.

موبدی پارسی در عهد انوشیروان.

هیربزرده‌ای که در سال ۹۲۸ یزدگردی، ناعه پارسیان هند را به ایران رسانید. نیز، نام موبد موبدان بهروج هندوستان.

دوشیزه.

پدر موبد سروش، از شاگردان دستور آذر کیوان.

جشن مهرگان یا روز مهر در شانزدهم ماه مهر. میتراگان، مهرجان.

جهان. تلفظ دیگری از گیتا و گیتی.

روز دوازدهم از هر ماه و نام ایزد موکل بر این روز، گره ماه، مدت سی روز.

موبدان موبد اردشیر بابکان.

خدای بزرگ. خدا در آئین زرتشتی.

موبدی پارسی در عهد انوشیروان.

سخن مینوی، کلام مقدس، روز بیست و نهم هر ماه. موکل بر گره آب. نام نیای نهم اشوزرتشت. و نیز نام پدر آذرباد، موبد موبدان زمان شاپور دوم ساسانی.

برگزینده مهر.

مهرگان

دارنده مهر، از اوستایی میتروخش.

مهری

مشی.

مهریانه

میترا

در فارسی مهر. نام فرشته مهر، مظهر دوستی و محبت و صلح و وفای به عهد و پیمان و نیز نما و روشنایی.

ناهید

♂ Varzān	وَرزان	آخرالزمان.	یاک، فرشته نگهبان آبها، ستاره زهره، آناهیتا Anāhitā، آناهیت Anāhit.
♀ Nāiri	ناییری	نام کسی است در روزگار شاپور یکم که در کتیبه زرتشت آمده است.	♀ Nāiri
♂ Vestā	وستا	دانش، کتاب دینی زرتشتیان.	♀ Nesāk
♂ Vahogun	وهوگون	خوشبو، خوشرنگ.	یکسی از دختران مشیه و مشیانه، همسر سیامک پسر کیومرث یا کیومرث نخستین پادشاه اساطیری ایران زمین.
♀ Vidā	ویدا	در زبان سانسکریت به معنی دانش و فرهنگ. در اوستا، ویستا Vistā یا وستا Vestā آمده است.	♀ Namāniye
♀ Vistā	ویستا	دانش.	فرشته نگهبان خان و مان.
♂ Vistāmeh	ویستامهر		♂ Nutrigā
♂ Visya	ویسیه	روستا، آبادی، فرشته نگهبان آبادی.	برادر سَوم زرتشت.
			♂ Niyāzam
			یازدهمین نیای زرتشت.
			♀ Nišām
			فرشته نگهبان آذرخش.
			♀ Nilrām
			فرشته نگهبان، برف و باران و تگرگ.
			♂ Nivtiš
			نام کوچکترین برادر زرتشت.
♂ Hāyzem	هایزم	یازدهمین نیای زرتشت.	
♂ Hormoz	هرمز	اهورامزدا، روز اول فروردین. نیز، نام چند تن از پادشاهان ساسانی.	
♂ Hažir	هژیر	آزیر، هوشیار.	
			♀ Vātā
			فرشته پشتیبان باد. نیز وات Vāt
			♀ Vartā
			در زبان پهلوی به معنی گل.
			♂ Varjāvand
			ارجمند، دارنده قر ایزدی، لقب منجی

♀ Hubu	هوبو	نام خانواده جاماسب. داماد زرتشت.
♀ Humāiti	هومائیتی	خوشبو.
♂ Hutan	هوتن	نیک اندیش. دختر هوخشتر پادشاه ماد. نیز، شهبانوی کورش و مادر کمبوجیه.
♂ Humata	هومته	نیک منش.
♂ Humard	هومرد	نیک مرد.
♂ Human	هومن	خوب منش.
♀ Humehr	هومهر	خوب چهر، پسر زرتشت.
♂ Hovaršet	هورشست	آفتاب گیتی افروز.
♂ Huryār	هوریار	(خورشیدیار)، نام پدر دستور داور.
♂ Huzād	هوزاد	اصیل، شریف، نیکزاد.
♂ Hušyār	هوشیار	یکی از موبدان هند، نویسنده کتاب «سرود مسستان» و یکی از پیروان دستور آذر کیوان که رساله پهلوی «پیشتاب» را به فارسی برگرداند و آن را «خویشتاب» نام نهاد.
♂ Hufrāti	هوفراتی	خوشخو و مهربان.
♀ Yākand	یاکند	یاقوت، دختر اسپهبد فرخان.
♂ Yazdān	یزدان	خوشکام.
	هوگو	خدا، ایزد، آفریدگار. فرشته کار نیک.
♂ Hugva		

♂ Yanutoš	ینوئوش
	کوچکترین برادر زرتشت.
♀ Yube	یوبه
	آرزو. دختر شاپور دوم ساسانی.

نامی برای فرزندان گیل گمش آشور

آشور یا آسور، نام قدیم ناحیه‌ای در دو طرف رود دجله بین زاب صغیر و مرکز کنونی سوریه و عراق بود. این ناحیه از غرب به فلات بیابانی بین‌النهرین مرکزی، از شرق به کردستان، از شمال به ارمنستان و از جنوب به سرزمین بابل محدود می‌شد. در زمان قدیم، امپراتوری آشور از اطراف، مخصوصاً به جانب سوریه گسترش یافت و امروز معتقدند که نام سوریه از آسور مشتق شده است. چون آشوریه‌ها از اطراف در معرض حملات قبایل و بدویان بودند، مردمی مبارز و جنگجو بارآمدند و از این جهت بر بسیاری از اقوام کهن مانند بابلی‌ها برتری داشتند. قوانین آشور خشن بود و کتیبه‌های پادشاهان آشور، عمدتاً گزارش جنگهای آنهاست. آشوری‌ها از دیرباز به ایران رفت و آمد داشتند، ولی پس از حمله مغول به حدود ارومیه مهاجرت کردند. آشوری‌ها به آیین قومی خویش سخت پای‌بندند و مراسم خود را با رقصها و آوازهای جمعی زیبا برگزار می‌کنند. از لحاظ قومیت، به اقوام سامی تعلق دارند و زبانشان، زبان اکدی است که در روزگاران قدیم همچون آرامی، عبری و عربی در فلسطین و سوریه رواج داشته است.

آشوریان در گذشته اسامی انجیلی یا توراتی را برای فرزندان خود انتخاب می‌کردند، مانند یوحنا، نمرود، عشیو و... یا نامهای پدران خود را بر نوزادشان می‌نهادند. بعدها بر اثر آشنایی با ملل مختلف، انتخاب نامهای غربی در بین ایشان مرسوم گشت. امروزه برای

آشوری‌ها سرزمین مستقلی مانند گذشته وجود ندارد، لذا با نهادن نامهای بسیار قدیمی خدایان و اسطوره‌ای، علاقه خاص خود را به زنده کردن تاریخ گذشته نشان می‌دهند. نامگذاری بین آشوری‌ها، مانند دیگر مسیحیان، در هفتمین روز تولد نوزاد طی مراسمی در کلیسا با غسل تعمید و حضور شاهدهی به عنوان پدرخوانده انجام می‌گیرد. برای کودک دختر باید مادرخوانده که معمولاً از دختران فامیل انتخاب می‌شود حضور یابد. این مراسم با پذیرایی از میهمانان در منزل خاتمه می‌یابد.

پدر، خدای عادل.

ا		آ	
♂ Ebābārā	ابابارا	♀ Āturinā	آتورینا
	صومعه خدای آفتاب.		مشتق از واژه آشور که با گذشت زمان «ش» به «ت» بدل شده است.
♂ Aprem	آپریم	♂ Ādād	آداد
	سرفراز.		توفان، باران، خدای هوا.
♂ Axiben	اخین بن	♂ Ādāril	آدارایل
	بنیانگذار برادری.		خدای یاری دهنده.
♂ Axilil	اخیلیل	♂ Ādowrā	آدورا
	پادشاه برادری.		کمک کننده، مددکار.
♀ Edtā	ادتا	♀ Ādorinā	آدورینا
	آغوش.		کمک کننده، یاری دهنده.
♂ Edrā	ادرا	♂ Āšur	آشور
	کمک، یاری.		دومین فرزند سام که نینوا را بنا نهاد و این سرزمین به نام او نامیده شد، ولی در تورات آمده است که نمرود از بابل به آشور رفت و نینوا را بنا کرد.
♀ Edrinā	ادرینا	♂ Āšurlid	آشورلید
	مؤنث عصا، تکیه‌گاه.		آشورزاده.
♂ Arbel	آربل	♀ Āšurinā	آشورینا
	چهار خدای کهن.		مشتق از واژه آشور.
♀ Eštār	اشتار	♂ Āšīnā	آشینا
	همان اینانای سومری است. الهه عشق و برکت. الهه جنگ، ملقب به ملکه آسمان؛ او دختر آنو و نیز الهه حامی اوروک بود و معبدی در آنجا ساخت. نیز، زهره.		نیرومند، زورمند.
♂ Amina	آمینا	♂ Āšīntā	آشینتا
	ابدی، جاویدان.		قدرتمند، نیرومند.
♂ Anlil	آنلیل	♂ Ānokin	آنوکین

	شاه بابل که سه سال حکومت کرد.	خانهٔ دانش.	
♀ Brat'il	اینته	بَرْت ایل	♀ Brat'il
	الاههٔ بزرگ.	دختر خدای ایل.	
♀ Bratbil		بَرْت بیل	♀ Bratbil
		دختر بیل یکی از خدایان.	
♀ Brxta	بار ایل	برخته	♀ Brxta
	زادهٔ ایل.	مبارک.	
♂ Brašit	باربیل	بَرَشیت	♂ Brašit
	زادهٔ بیل. (بیل: یکی از خدایان)	سرآغاز یا پسر.	
♂ Bel	باردین	بل	♂ Bel
	یکی از خدایان به معنای داوری.	پسر خدا. خدایی که بابلیها در زمان بخت‌النصر می‌پرستیدند و برترین خدایشان بود.	
♂ Baladan	بارزونه	بَلَدَن	♂ Baladan
	پسر زمان.	نوبز.	
♂ Ben	بارسوما	بن	♂ Ben
	کسی که در ایام روزه‌داری متولد شده باشد.	پسر.	
♂ Banāšur	بارسین	بَن آشور	♂ Banāšur
	زادهٔ خدای ماه.	بناکندهٔ آشور.	
♂ Ban'il	باننیپال	بَن ایل	♂ Ban'il
	از پادشاهان مؤسس آشور.	خداوند بناکننده.	
♂ Buxrā	بهارتا	بوخرا	♂ Buxrā
	طلوع.	نخست زادهٔ پسر.	
♂ Budaqa	ببلینه	بودقه	♂ Budaqa
	گل. موث بیل.	بابنده.	
♂ Burxā	بت ایل	بورخا	♂ Burxā
	خانهٔ خدا.	برکت یافته.	
♂ Betmu'me	بت موئه		♂ Betmu'me

ب

♂ Avi'il	آوی ایل	پدر خدای بابلی.	♂ Avi'il
♂ Owbātā	اوباتا	بزرگ خاندان.	♂ Owbātā
♀ Eyā	ایا	فراوانی.	♀ Eyā
♂ Utnāpištim	اوتنایشتیم	شفق، عروس خدای آفتاب.	♂ Utnāpištim
♂ Itānā	ایتانا	سومریان «زیوسودرا» می‌نامیدندش و از دید آنان شاهی خردمند و کاهن بود.	♂ Itānā
♂ Avdi-il	آودی ایل	شاه افسانه‌ای «کیش» که بعد از وقوع توفان فرمانروایی می‌کرد.	♂ Avdi-il
♀ Iriš-kigāl	ایریش کی گال	خدمتگزار مردم.	♀ Iriš-kigāl
♂ Avdisin	آودیسین	ملکهٔ جهان تحت‌الارض که احتمالاً روزگاری الههٔ آسمانی بود.	♂ Avdisin
♂ Uršānāti	اورشاناتی	خدمتگزار سین (ماه).	♂ Uršānāti
♀ Ilbrat	ایلبرت	دختر خدا.	♀ Ilbrat
♂ Ilbrun	ایلبرون	در بابل کهن همان سور سونایی ناخدای اوتنایشتیم است.	♂ Ilbrun
♂ Ilrām	ایل رام	اورشنبه	♂ Ilrām
	خدای بلندمرتبه.	بلم ران.	
♂ Ilšmā	ایل شما	اورنینا	♂ Ilšmā
	خدای شنونده.	شهر خدای نین.	
♂ Ilmar	ایل مر	اوروک	♂ Ilmar
	خدای مالک.	در تورات «ایرج» نامیده شده است و همان «ورقه» کنونی است که در بابل جنوبی بین «فرح» و «شوروپاک» و «اور» واقع شده. باستان شناسان کشف کرده‌اند که این شهر از ازمه بسیار کهن اهمیت بسیار داشته و معابد آنواشتار در آن بوده‌اند.	
♂ Ilulu	ایلولو	اورهای	♂ Ilulu
	شاه بابل که سه سال حکومت کرد.	اهل اور.	
♂ Ilin	ایلین	اوریا	♂ Ilin
	الاهی، خدایی.	اهل اور.	
♂ Ilyav	ایل یو	اوریه	♂ Ilyav
	خداداد.	اهل اور.	
♂ Eime	ایمه		♂ Eime

♂ Dāvra	♂ Xerā	خِرا آزاد.	♂ Xerā	شگفت آور.
♂ Dem'il	♂ Xerutā	خِروتا آزادی.	♂ Xerutā	دورا دشت.
♂ Denxa	♂ Xzirān	خِزیران یکی از ماههای پاییز آشوری.	♂ Xzirān	دم ایل خون خدا، کنایه از مصلوب شدن عیسی.
♀ Denita	♂ Xeqrā	خِقرآ تمجید، ستایش. حکیمته، حَکیمه	♂ Xeqrā	دنخه طلوع. دنیته خرسند.
♂ Dubārā	♂ Xakimta, Xakima	حکیم، دانا.	♂ Xakimta, Xakima	دوبارا تجربه.
♂ Dumārā	♀ Xlitā	خلیتا شیرین.	♀ Xlitā	دومارا عجیب و فوق العاده.
♀ Dumārinā	♀ Xanna	خَنه بانوی مهربان.	♀ Xanna	دومارینا پیروزی.
♂ Domozi	♂ Xaz'il	خِزایل خدایی که می بیند.	♂ Xaz'il	دوموزی خدای گیاه و نعمت. سومریان تموز را چنین می نامیدند.
♂ Dunšaga	♂ Xazuya	خِزویه انتخاب کننده.	♂ Xazuya	دون شگه نام خدا.
♀ Dilmon	♂ Xeltana	خِلتنه قدرتمند، نیرومند.	♂ Xeltana	دیلمون بهشت سومریان که در خلیج فارس واقع شده و به عنوان مکانی که خورشید از آن سربرمی آورد شناخته می شد. برخی دیگر آنجا را سرزمین زندگان می نامیدند.
♂ Dina	♂ Xanān'il	خَنن ایل خدای بخشنده.	♂ Xanān'il	دینه عدالت.
	♀ Dāmrinā	دام رینا	♀ Dāmrinā	

♂ Pusaya	♂ Buhara	بوهره شفق.	♂ Buhara	پوصیه نجات دادن، رها کردن.
	♂ Bilbron	بیل برون پسر خدای بیل.	♂ Bilbron	
♀ Tārbitā	♂ Bilram	بیل رم خدای بزرگ بیل.	♂ Bilram	تاریتا زیاد شدن.
♀ Tārmitā	♂ Bilsin	بیل سین خدای سین (ماه).	♂ Bilsin	تارمیتا بنیان، اساس.
♂ Tāmimā			♂ Tāmimā	تامیما منزه، پاک.
♂ Taxola	♂ Pātirā	پاتیرا فراوانی.	♂ Pātirā	تخوله معتمد، محترم.
♀ Taxoma	♂ Pārāmsin	پارامسین شاه بابل که به مقام خدایی رسید و ۳۶ سال حکومت کرد.	♂ Pārāmsin	تخومه پایان.
♀ Tyāmāt	♂ Pāldin	پال دین از شاهان آشور.	♂ Pāldin	تیامات الاهه آشوری.
	♂ Pxirā	پخیرا نوبر.	♂ Pxirā	
♂ Xābārtā	♂ Prištah, Prišah	پریشته، پریشه برگزیده، جدا شده.	♂ Prištah, Prišah	خابارتا حوری و پری.
♂ Xeblu	♂ Pqida	پقیده امر شده.	♂ Pqida	خبلو پیچک، گیاه پیچنده، و بالارونده.
♂ Xadxida	♂ Pno'il	پنوایل پاسخ خدا.	♂ Pno'il	خدخیده بلبل.
♂ Xdita	♀ Panna	پنه تقدیس.	♀ Panna	خد یته خوشحال، شاد.

♂ Rām'il	رام ایل		
	خدای ایل.		
♂ Rāmbil	رام بیل	♂ Rāb'il	راب ایل
	خدای بیل / بالا.		خدای بزرگ.
♂ Rāmsin	رام سین	♂ Rāb'ile	راب ایله
	خدای ماه.		بزرگ خدایان.
♀ Rāmsinā	رام سینا	♂ Rābbil	راب بیل
	خدای سین بزرگ.		خدای بزرگ بیل.
♀ Rāmūtā	راموتا	♂ Rābsin	راب سین
	والایی.		خدای بزرگ سین.
♀ Rāminā	رامینا	♀ Rābutā	رابوتا
	بالا.		بزرگی.
♀ Rabta	رَبْتَه	♂ Rābonā	رابونا
	خانم، بانو.		بزرگتر.
♀ Rejinā	رجینا	♀ Rabi'eta	رابی عتا
	ملکه.		مبارک.
♀ Rditā	ردیتا	♂ Rābilā	رابیلا
	بسیار بزرگ.		مبارک.
♂ Reššāpre	رَش ساپر	♂ Rāzāqā	رازاقا
	سردبیر.		روزی دهنده.
♂ Ršī'ā	رشی عا	♂ Rā'edā	راعدا
	پوشیده شده با نگین.		نبال، سرسبز.
♀ Re'o'il	رعوایل	♂ Rā'umā	راعوما
	خدای محافظ.		صدای بالا.
♂ Re'yānā	رعیانا	♀ Rā'umtā	راعومتا
	فکر، عقیده.		صدای بالا.
♂ Raqoša	رقوشه		

			جهنده.
♂ Zedqa	♀ Rqiā	زدقه	رقیا
		حق.	فلک، آسمان.
♀ Zaduta	♂ Reg'il	زدوتَه	رگ ایل
		پیروزی.	خدابنده.
♀ Zadiqte	♀ Rvextā	زد یفته	روختا
		راهب.	گسترده، وسیع.
♂ Zadiqa	♂ Ruxama	زد یقه	رُوخَمَه
		مقدس.	رحمتها.
♀ Zraqta	♂ Rušmā	زرقته	رُوشما
		طلوع.	نشان.
♂ Zaruqya	♂ Ru'amā	زروقیه	رُوعاما
		طلوع.	غرش رعد.
♀ Zekta	♂ Romā	زکته	روما
		مطهر.	آسمان، فضای لایتناهی.
♂ Zakiya	♂ Rumrāmā	زکیه	رُوم راما
		پسندیده، انتخاب شده.	بزرگداشت.
♂ Zaliqa	♂ Rumana	زلیقه	رُومَنَه
		اشعه.	انار.
♂ Zukaya	♂ Ruyza	زوکیه	رویزه
		برنده، غالب.	شاد، خوشحال.
♂ Zehsin		زه سین	
		افتخار می کند به سین (ماه).	
♂ Zahirā	♂ Zārirā	زهیرا	زاریرا
		آگاه، مطلع.	پرتو، شمع.
♂ zina	♂ Zaxma	زینه	زَخَمَه
		آزار جنگ.	

♂ Ziva	سیمه نقره.	♂ Seyma	زبوه نور، روشنایی.
♂ Sin	سین	♂ Sin	همان «نانا»ی سومری یعنی ماه و پدر «اوتومش» بوده است.
♂ Sāprā	سپرا ادیب، نویسنده.	♂ Sār-il	سارایل خدای پادشاه.
♂ Sārgon, Sergon	سارگن، سرگن از پادشاهان آشور باستان.	♂ Šārpā	سارپا قصه، داستان.
♂ Sāvrā	ساورا امید.	♂ Šāru	شارو پادشاه، حاکم.
♂ Sāvri'il	ساورایل امید به خدا.	♂ Šārvāynā	شاروینا صنوبر.
♀ Sāvri'na	ساورینا امید.	♂ Šārosin	شاروسین خدای حاکم.
♀ Sebārtā	سبارتا امانت.	♂ Šārokin	شاروکین پادشاه مقدس.
♂ Samuxa	سموخه تابان، نورانی.	♂ Šāronā	شارونا سرزمین پُربار و حاصلخیز.
♀ Semirāmis	سمیرامیس ملکه افسانه‌ای آشور، که به زیبایی و دانایی معروف است.	♀ Šāri'rtā	شاریرتا اعتماد کردن.
♀ Senonita	سنونیتَه پرستو، چلچله.	♂ Šā'utā	شاعوطا سبک در پرواز، تیزپرواز.
♀ Sidori	سیدوری نام این بانو به زبان «هوریایی» زن جوان معنا می‌دهد و شاید تجسم دیگری باشد از اِشتار (Eštar).	♀ Šālhavita	شال هویته شمعه آتش، زبانه آتش.

♀ Šāmirām	شامیرام نامش پرآوازه باد.	♀ Šāmirām	شامیرام روشنایی، نور، پرتو.
♂ Šāhārā	شاهارا حافظ شبهای روزه‌داران.	♂ Šulpā	شولپا خدایی که بر جشنها و ضیافتها ناظر بود.
♀ Šāhārtā	شاهارتا نگهدارنده، نگهبان.	♂ Šumer	شومر کشوری که آشوریان از آنجا ظاهر گشتند.
♂ Šāyrayā	شایرایا ستاره ناهید.	♀ Šumelta	شوملته آبدیده، پخته.
♂ Šāpir	شپیر مخفف زیبا.	♀ Ševixta	شویخته محترم.
♂ Šalmana	شلمنه سلیم.	♂ Šavixa	شویخه غالب، پیروز.
♂ Šalmenesar	شلمه نصر سلام پیروزی.	♀ Širāt	شیرات آواز، ترانه.
♀ Šamaš	شمش به زبان «اوتو» همان خورشید است. سومریان خدای شمش یا اوتو را قاضی حق و قانونگذار می‌دانستند.	♀ Šimta	شیمته جاودانه، همیشگی.
♂ Šamukin	شموکین آدم خوشنام، آدم پاک.	♂ Ša'ila	شئيله دوست داشته شده، خواسته شده.
♂ Šamina	شمینه حاصلخیز، برکت یافته.	♂ Šā'ila	شئيله دوست داشته شده، خواسته شده.
♀ Šanuzta	شنوزته بی‌همتا، بی‌نظیر.	♂ Šāprā	سپرا سپه‌دم، منشی.
♂ Šanina	شنینه تیز، برنده.	♂ Šāpuxā	ساپوخا ایثارگر، فداکار.
♂ Šoqa	شوقه مهم.	♀ Šādidtā	صادیدتا مهم.